پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۴۶ بهار ۱۴۰۱

No.46 Spring 2022

۸۴-۷۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

اثرات اجرای طرح‌های توسعه شهری در تخریب مکان‌های باارزش شهر زیارتی-گردشگری مشهد

➢ **معصومه توانگر:** استادیار، گروه مدیریت و برنامه ریزی گردشگری، پژوهشکده گردشگری جهاددانشگاهی، مشهد، ایران (Masoomeh_tavangar@yahoo.com)

➢ **جواد فرهادی:** دانش‌آموخته دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

در تمامی کشورهای دنیا، مدیریت شهری یکی از نیروهای پویایی شهر است. در این میان، انواع طرح‌های توسعه شهری از مهم‌ترین ابزارهای مداخله مدیریت شهری به نمایندگی از حاکمیت می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل اثرات اجرای طرح‌های توسعه شهری بر مکان‌های باارزش تاریخی-هویتی شهر مشهد، علل تغییر کاربری و تخریب بافت تاریخی و ابنیه باارزش و ارزیابی مجموعه اقدامات و پروژه‌های شهری انجام‌شده در بخش مرکزی شهر مشهد تدوین گردیده است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردي و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است که در بخش تحلیل فضایی از روش تفسیر بصری عکس‌های هوایی قدیمی و تصاویر ماهواره‌ای با رزولوشن ۰/۵ متر استفاده شده است. چهارچوب تحلیلی پژوهش با تأکید بر مفاهیم سه‌گانه لوفور از ابعاد فضا، شامل پرکتیس فضایی، فضای بازنمایی، خصوصاً بازنمایی فضایی شکل گرفته است. نتایج نشان می‌دهد، سیاست‌ها و طرح‌های شهری اجراشده در بخش مرکزی شهر مشهد، به هویت تاریخی آن آسیب جدی زده است. شیوه بازنمایی هویت‌زدای حاکم بر این فضا، قادر به حفظ بافت تاریخی، حتی به‌صورت تک بنا نیز نبوده و موجب جمعیت‌زدایی و کارکردزدایی بافت‌های تاریخی شهر مشهد و از بین رفتن مفهوم محله در این مناطق کهن شده است. تأکید بر حفاظت از لکه‌های باقی‌مانده بافت تاریخی، تلاش در نگاه‌داشت جمعیت بومی، بازآفرینی و احیاء محلات تاریخی، ایجاد تعادل بین حفاظت و توسعه در طرح‌ها و اقدامات مدیریت شهری و کاربری‌بخشی ابنیه از طریق فعالیت‌های فرهنگی مانند گردشگری، راهبردهای قابل‌پیشنهاد برای آیندۀ چنین پهنه‌هایی می‌باشند.

واژگان کلیدی: تحلیل فضایی، مکان باارزش، گردشگری، رویکرد انتقادی، مشهد

Abstract

In all countries of the world, urban management is one of the dynamic forces of the city. Among these, various urban development plans are the most important tools of urban management intervention on behalf of the government. The present article aims to analyze the effects of urban development projects on the destruction of historical-identity sites in Mashhad, the causes of land use change and destruction of valuable historical buildings and structures in Mashhad and evaluation of urban actions and projects in the central part of Mashhad Has been. This research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of nature and method. In the spatial analysis section, visual interpretation of old aerial photographs and satellite images with a resolution of 0.5 meters has been used. The analytical framework of the research is formed by emphasizing Lefebvre's three concepts of space dimensions, including spatial practice, representational space, especially spatial representation. The results show that the policies and urban plans implemented in the central part of Mashhad have seriously damaged its historical identity. The depopulation representation in this space has not been able to preserve the historical context, even as a single building, and has led to the depopulation and de-functionalization of the historical contexts of Mashhad and the disappearance of the concept of neighborhood in these ancient areas emphasis on the protection of remnants of historical fabric, efforts to preserve the indigenous population, regenerate and revitalize historic sites, balance conservation and development in urban management plans and actions, and use of buildings through cultural activities such as tourism, are suggested strategies for future of this areas.

Keywords: Spatial analysis, Valuable place, Tourism, Critical approach, Mashhad

*نویسنده مسئول مکاتبات:(javadfarhadi2010@gmail.com)

مقدمه

بیش از نیم‌قرن از تحمیل طرح‌های جامع، برگرفته از جنبش مدرن -مبتنی بر ساماندهی به عملکردهای چهارگانه اسکان، کار، ترافیک و گذران اوقات فراغت- که نتوانسته اهداف و چشم‌اندازهای مورد انتظار را پاسخ دهد، بر کالبد شهر ایرانی می‌گذرد. نتیجهٔ این طرح‌ها صِرف تکیه‌بر مداخلات کالبدی، با نادیده گرفتن روابط فضایی حاکم بین انسان و فضا که از درون‌مایه‌های منطق اجتماعی فضا است، چیزی جز ناهمگونی و تقابل بین سنت و مدرنیته نبوده است (علی‌آبادی و بابایی، ۱۳۹۶: ٦٤٥). در این میان آنچه قربانی این فرایند شده، مکان‌ها و بافت‌های کهن و دارای ارزش شهری است. از طرفی، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت، پذیرش پارادایم‌هایی چون «توسعه پایدار» که زمینه‌ساز الگوهای توسعه شهری و طرح مفاهیمی چون؛ شهر سبز، شهر سالم، شهر پایدار و غیره می‌باشد، در عمل نتوانسته اثرات خود را برجای گذارد و اغلب، توسعه شهری به سمت و سوی اهداف منفعت‌طلبانه اقتصادی سوق یافته است (عامری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲). در شهرهای دارای رشد شتابان مانند مشهد که مراحل شهرنشینی و حومه‌نشینی را گذرانده و در حال گذراندن مراحل شهرگریزی و بازگشت به مرکز می‌باشد، مورفولوژی شهری در اشکال ساده حلقوی قابل تبیین نبوده و کاربری‌ها توزیعی آشفته دارد. در چنین شرایطی، هسته مرکزی و تاریخی شهر که معمولاً موقعیت تجاری مناسبی نیز دارد، مستعد تغییرات کالبدی و جمعیتی شتابان است. تغییراتی که در صورت عدم کنترل و هدایت می‌تواند سبب از بین رفتن بافت تاریخی و باارزش شود.

بررسی روند تاریخی گسترش شهر مشهد تا ۱۳۳۵ش نشان می‌دهد که این شهر دارای ساختار سنتی و همراه با گسترش تدریجی پیرامون حرم حضرت رضا(ع) بوده است. اما امروزه به بهانه کهنگی، بافت‌های ارزشمندی که در محدوده مرکزی این شهر طی دوره‌های تاریخی شکل گرفته است، در معرض تخریب قرار دارند. در حال حاضر بیش از ۵۰ پروژه عظیم در بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع) در حال احداث است که همگی نشان از تغییرات اساسی این پهنه طی سال‌های اخیر دارند (شهرداری منطقه ثامن مشهد، ۱۳۹۶). در اثنای این تغییرات، بخش مهمی از محلات واقع در این محدوده، دستخوش تخریب و تغییر قرارگرفته، زمینه خروج جمعیت بومی آن را فراهم نموده است. از طرفی این تحولات خالق فضایی است که کمتر تناسبی با هویت و معنای شهر مشهد به‌عنوان یک «شهر اسلامی» دارد. هویتی که اگر آسیب ببیند مشکلات متعددی برای اجتماع محلی و بازدیدکنندگان از بافت تاریخی شهر مشهد و زائرین حرم مطهر به وجود می‌آورد. از طرفی این تغییرات موجب کج کارکردی و یا از حیض انتفاع خارج شدن هسته تاریخی و شکل‌گیری بافت مسئله‌دار شده است. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش طرح‌های توسعه مدیریت شهری در تحولات هسته تاریخی شهر مشهد بوده، اهداف فرعی آن عبارت‌اند از: ۱. شناسایی سایر عاملین تأثیرگذار بر تخریب بافت تاریخی واجد ارزش بخش مرکزی شهر مشهد. ۲. بررسی میزان تغییر کاربری و تخریب در بافت تاریخی و باارزش. ۳. ارزیابی مجموعه طرح‌ها و اقدامات انجام‌شده در بخش مرکزی شهر مشهد.

پیشینه پژوهش

مطالعات بسیاری در زمینه تأثیر اجرای طرح‌ها و سیاست‌های کلان و محلی در بافت‌های تاریخی و ارزشمند شهری، در سطح بین‌المللی و داخلی صورت پذیرفته است. لاگاپولوس در مطالعه طرح توسعه شهر تسالونیکی یونان با عنوان *فضای به‌یادماندنی شهری و هویت ملی: طرح جدید اوایل قرن بیستم تسالونیکی*، نشان می‌دهد که با کشف ساختار معنایی این طرح می‌توان به یک تابع ایدئولوژیک بسیار مهم از برنامه شهر در برابر چشمان تولیدکنندگان و عموم مردم دست‌یافت. بر اساس مطالعات صورت گرفته آلتروک[1]، پندل بری[2]، انگلیش هریتیج[3]، احیاي بافت فرسوده و بافت باارزش از طریق عدم‌مداخله در سیما و منظر بافت و حفظ فضاهاي باارزش گردشگري و هويت دادن به ارزش‌ها و میراث محلی، زمینه‌ساز توسعه کالبدي-فضايی سکونتگاه‌ها شده است. درواقع این مطالعات با تأکید بر

1.Altrock

2.Pendlebury

3.English Heritage

رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه که هم دربردارنده اصالت و ارزش نسبی مکان و هم جنبه‌هاي اقتصادي آن است، حفاظت را در وجه توسعه‌اي آن مطلوب و مؤثر می‌دانند. اوندر[1] با پژوهش خود در منطقه هالیک ترکیه بر این باور است که از طریق شناسایی و جلوگیری از تخریب مکان‌های باارزش تاریخی در شهرها می‌توان زمینه ارتقای صنعت توریسم در شهر را فراهم آورد. این مطالعه ابتدا مشکلات اجتماعی و فیزیکی یک فضای شهری با ویژگی‌های تاریخی را مورد شناسایی قرار داده و سپس با استفاده از روش چیدمان فضا برای توسعه منطقه پیشنهادهای کالبدی و عملکردی ارائه نموده است.

در اولین همایش بهسازي و نوسازي بافت‌هاي فرسوده شهري در ایران محورهاي عمده آن پیرامون ارزیابی طرح‌هاي بهسازي بافت‌های باارزش و نابسامان و همچنین ارائه رویکردي مطلوب در جهت حفاظت بود. مقدم‌آریایی و همکاران، همچنین عربی و انتظار یزدي با هدف دستیابی به الگو و روشی مناسب جهت مداخله در بافت‌های فرسوده شهري، به بررسی منابع موجود در این زمینه و ارائه الگوي مناسب بهسازي و نوسازي ضمن حفظ سرمایه‌هاي شهري پرداخته‌اند. سلطانی‌فرد و همکاران در پژوهشی با عنوان *بررسی و تحلیل مداخلات کالبدی بر ساختار فضایی سبزوار* بیان کردند که تغییر در چیدمان کالبدی عناصر موجود در دوره‌های گذشته، تغییرات عدیده‌ای را در ساختار فضایی محدودۀ بافت تاریخی شهر سبزوار در دورۀ معاصر به وجود آورده است. پورجعفر و همکاران در مطالعه خود با عنوان *جایگاه فضاهای مذهبی اسلامی در طرح‌های توسعه شهری معاصر* نشان می‌دهند که فضاها و معیارهای مذهبی در طرح‌های شهری معاصر اعم از تفصیلی و جامع موردتوجه قرار نگرفته‌اند.

نژاد ابراهیمی و همکاران در پژوهشی، ارزش و ارتباط رویکرد مداخله در آثار فرهنگي-تاریخي را مورد مداقه قرار داده‌اند. نصر در پژوهش خود با عنوان *واکاوی معنای هویت در سنجش پارادایم تحلیل جایگاه حیات‌بخشی در بافت شهر* با مروری بر مفهوم هویت در شهرسازی، نگاهی به گونه‌های مختلف احیاء در بافت‌های شهری و چگونگی مقابله با بحران هویت شهری داشته است. *رهنما* در مطالعه‌ای با عنوان *شناسايي نقاط باارزش شهري در مشهد* با بیان این مفهوم، سلسله‌مراتب و اهمیت ارزش‌ها در هویت‌سازي شهري همراه با ارائه شواهدي از عناصر کالبدي شهري جهان، ارزش‌هاي شهري در مشهد که شدیداً در معرض نابودي درنتیجه اقدامات گسترده نوسازي است را شناسایی و تحلیل می‌کند. عزیزی‌فرد، ابراهیم‌زاده و رفیعیان در مقاله‌ای با عنوان *تحلیلی بر نقش سیاست‌های دولت و مجاورت بازار بر تغییرات کارکردی و زوال محله‌های شهری (مطالعه موردی: محله سیروس شهر تهران)* به این نتیجه رسیده‌اند که باوجود طرح‌های متعددی که برای محله سیروس تهیه‌شده، محله مذکور از نظر فیزیکی و اجتماعی مورد غفلت واقع‌شده، به‌طوری‌که برهمکنش دو نیروی دولت و بازار با داشتن ابزار سیاست و اقتصاد، به زوال تدریجی سکونت، منجر شده است.

یافته‌های مطالعات نشانگر آن است که مداخلات صورت‌گرفته تحت هدایت مدیریت شهری در بافت‌های شهری ایران، فروپاشی ساختار محلات و بافت‌های قدیمی شهری را به همراه داشته و فقدان رویکرد و الگوی متناسب با شرایط فعلی، سبب بحران هویتی در این پهنه‌ها شده است. در این آثار، دست پنهان بازار و اندیشه‌هایی که در پس الگوهای بازسازی و مداخله در بافت‌های باارزش شهری است قابل‌مشاهده می‌باشد. در نیم‌قرن اخیر، همراه با گسترش شهرنشینی و حاد شدن مسائل آن از یک‌طرف و توسعه علوم اجتماعی و دانش‌های مربوط به برنامه‌ریزی و مدیریت از طرف دیگر، گرایش به نظریه‌پردازی در برنامه‌ریزی شهری وسعت یافت. شاید مهم‌ترین مشخصه قرن بیستم، توسعه سریع شهرنشینی و پیدایش انواع اشکال سکونتگاه‌های شهری است که نتیجه آن تغییر در سیمای شهری، شیوه زندگی، افکار و عواطف انسانی است (دفتر معماری و طراحی شهری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵: ٥-٤). به تبع این تغییرات، مدیریت شهرها نیز دستخوش تحولات عمیق و قابل‌توجهی شد که بخشی قابل‌توجهی از آن

1.Onder

در قالب تولیدات علمی و طرح‌های توسعه شهری، تدوین و اجرا شد. این‌گونه مطالعات معمولاً به نقش طراحی شهری در ارتقای توان رقابتی و تحول پایه اقتصادی شهرها و همچنین بر نقش آن به‌مثابه ابزار توسعه پایدار از طریق تولید ارزش‌های محیطی و اجتماعی به‌عنوان عمده‌ترین علل رواج این رشته و فعالیت تأکید کرده‌اند. طراحی شهری در گونه‌های متفاوت از شهر، نقش و کارکردهای متنوع و متفاوتی داشته است. گاسپودینی، در یکی از مطالعات موجود، نظامی از گونه‌بندی شهرها و نقش بالقوه‌ای که طراحی شهری می‌تواند در هر یک از گونه‌های شهری مزبور ایفا کند ارائه کرده است (Gospodini ، ۲۰۱۰: ۶۲).

مونتگومری نیز الگویی از «دینامیک شهری» و ترتیب موج‌های بلند توسعه شهری ارائه می‌کند که می‌توان از آن برای تشریح نقش‌های گوناگون طراحی شهری متناسب از دوره‌های مختلف توسعه شهری استفاده کرد (Montgomery, 2007: 4). در الگوی مونتگومری، توسعه شهرها در دوره‌های زمانی گوناگونی رخ می‌دهد و برای موفقیت در هر یک از دوره‌ها، شهر باید بتواند میان سه فاکتور متفاوت (یعنی اقتصاد پویا و خلاق، حیات فرهنگی و نوآورانه و فرم کالبدی سازگار با فعالیت) توازن برقرار کند. اگرچه دوره‌های امواج بلند اقتصادی به‌موازات ظهور صنایع جدید بوده‌اند، باوجود این، رشد اقتصادی نه به صرف تحول فناوری، بلکه بیش از هر چیز به خاطر شیوه کاربرد آن توسط گروه معینی از کارآفرینان و نوآوران در عصر مزبور صورت پذیرفته است. بر مبنای نظریه موردبحث، کشورهای توسعه‌یافته در حال تجربه موج پنجم توسعه اقتصادی و توسعه شهری متناظر با آن هستند. توسعه‌ای که متکی بر اقتصادهای خلاق است و پایه آن را تولید دانش، ثروت‌های هنری و ارائه خدمات پیشرفته شکل می‌دهد. از سوی دیگر، در عرصه جهانی‌شدن، شهرها اهمیت خاصی یافته‌اند و با پذیرفتن دگرگونی‌های ساختاری-کالبدی معینی می‌توانند جایگاه رقابتی برتری را برای خود امکان‌پذیر سازند. به‌طورکلی در اقتصادهای جهانی، یعنی در وضعیتی که منابع به سهولت و سرعت میان مکان‌ها در حال مبادله‌اند، از شهرها انتظار می‌رود که مانند شرکت‌هایی عمل کنند که در جستجوی فرصت‌های تجاری جدید هستند (گلکار، ۱۳۹۲: ۷). درواقع، شهرها بر سر جذب سرمایه بیشتر، از طریق جذب بنگاه‌های اقتصادی، گردشگران و سرمایه‌گذاران با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و شهرداران به‌مثابه مدیرعامل شرکت‌های رقیب به نمایندگی از طرف ذی‌نفعان انجام‌وظیفه می‌کنند. در چنین موقعیتی، طراحی شهری توانسته است از طریق بهسازی وجهه و منظر ذهنی شهرها، به بازاریابی مکان‌ها یاری رساند و آن‌ها را در نقشه‌های جهانی به‌عنوان نقاط مطلوبی برای سفر، کار و گردشگری معرفی کند (گلکار، ۱۳۹۳: ۷، به نقل از اسمیت، ۱۹۹٤:۱).

در مقابل رویکردهای اقتصادمحور عمدتاً لیبرال و نئولیبرال که ارائه گردید، رویکرد انتقادی و نظریات اندیشمندانی همچون مارکوزه، کاستلز، هاروی و لوفور قرار دارد. در این میان نظریات لوفور موقعیت برجسته‌ای در نقد برخوردهای صورت گرفته با بافت‌های تاریخی باارزش شهرها دارد. محوری‌ترین مفهومی که در نظریهٔ لوفور سویه‌های انتقادی آن را برجسته می‌سازد، «حق به شهر» می‌باشد. حقی که مارکوزه از منظر فرهنگی آن را فریاد آن‌هایی می‌داند که مستقیماً طرد و سرکوب شده‌اند، خواستِ آن‌هایی که بیگانه شده‌اند؛ بیگانه شدگانی از هر طبقه، بسیاری از جوانان، هنرمندان و بخش عمده روشنفکران که در برابر نظم مسلط که از برآورده شدن بسنده نیازهای انسانی‌شان ممانعت می‌کند، ایستادگی می‌کنند (مارکوزه، ۱۳۹۶: ۸۲). این نظریه در ضدیت با سنت‌هایی فلسفی صورت‌بندی شده است که فضا را غیرسیاسی، غیراجتماعی، غیرتاریخی و مطلق می‌پندارند. این نظریه با اتکا بر مقولهٔ دیالکتیک به‌طور هم‌زمان علیه اثبات‌گرایان و ایدئالیست‌ها شورش می‌کند (افروغ، ۱۳۹٤: ۳۵) و به‌نوعی تمام تئوری‌های شهری که فضا را مستقل از روابط اجتماعی و طبقاتی می‌دانند و در تحلیل‌هایشان غایب است را به‌نقد می‌کشد و همچون یک دیالکتیسین تمام‌عیار، بینش مارکسی را در تحلیل چگونگی شکل‌گیری فضاهای شهری و ارتباط آن‌ها با امر اجتماعی را مورد کندوکاو قرار می‌دهد. فضا هم حامل و حاوی روابط

1 .Smyth

قدرت در جامعه است و هم خود، بخشی از آن است. نقد فضای فن‌سالار و سرمایه سالار ازیک‌طرف متوجه دولت‌ها و شرکت‌ها و برنامه‌ریزان و معماران است و از طرف دیگر متوجه گروه‌هاي اجتماعی است که به گمان او باید در برابر این سلطه بر فضا و تولید اجتماعی مقاومت کنند (کلمن، ۱۳۹۶: ۱۸). بنابراین نه‌فقط جامعه به شکلی فضامند برساخت و بازتولید می‌شود، بلکه از دید لوفور کل نظام سرمایه‌داری هم در صدسال گذشته بخش اعظم تضادهای درونی‌اش را به میانجی فضا مرتفع ساخته است. آنچه رخ‌داده این است که سرمایه‌داری توانسته تضادهای درونی‌اش را برای یک سده کم اثر کند و درنتیجه در یک صد سالی که از زمان نگارش سرمایه می‌گذرد در دستیابی به رشد موفق بوده است (لوفور، ۱۳۹۵: ۳۱). از این‌رو، فضای کلی سرمایه‌داری، فضای اقتصادی و همگن ارزش مبادله‌ای را بازنمایی می‌کند. این ظرفیتِ مولد به‌کل فضای کره زمین و فراتر از آن گسترانده می‌شود (لوفور، ۱۳۹۵: ۱۱۴). از نظر لوفور تولید فضا را می‌توان به سه بُعد یا فرایندِ درهم‌تنیده تقسیم کرد. لوفور این سه بعد یا فرایند را مشتقات یا لحظه‌های تولید فضا نیز می‌نامد. این سه لحظه از یک‌سو به سه‌گانهٔ پرکتیس فضایی، بازنمایی‌های فضا و فضاهای بازنمایی و از سوی دیگر، به فضاهای درک شده، تصور شده و زیست شده اشاره می‌کنند . پرکتیس فضایی درواقع همان فضای مادی یا فضای تجربه و دریافت گشوده به روی لمس و احساس فیزیکی است. بازنمایی‌های فضا شامل تمامی نشانه‌ها و معانی و شناخت‌هایی است که امکان شناخت روزمره از پرکتیس‌های فضایی را فراهم می‌کنند. بازنمایی فضا قلمرو تولیدکنندگانی همچون معماران، برنامه‌ریزان، شهرسازان و مهندسان اجتماعی است که فضا را در ذهن و بر اساس ایدئولوژی معینی پرورش می‌دهند و فضای بازنمایی، درواقع همان رابطه اجتماعی زیست شده کاربران با محیط است (اشمید، ۱۳۹۳: ۱۵۵).

لوفور، فضا را رابطه‌ای اجتماعی می‌داند که از رابطهٔ مالکیت، به‌ویژه مالکیت زمین جدایی‌ناپذیر است. افزون بر این، فضا به نیروهای مولدی که این زمین را می‌سازند نیز مرتبط است (لوفور، ۱۳۹۳: ۲۶). فضای خلق‌شده در شهرها، بازتاب ایدئولوژی مسلط گروه‌ها و نهادهای حاکم جامعه است و از سویی دیگر بر اساس دینامیسم نیروهای بازار شکل می‌گیرد و می‌تواند مولد نتایجی باشد که هیچ شخص بخصوصی طالب آن نیست (هاروی، ۱۳۹۵: ۲۸۷). بر این اساس ارزش و هویت بخشی به مکان‌ها نیز تابعی از تسلط نهادهای حاکم و به‌ویژه دولت‌ها است که در قالب برنامه‌ها و طرح‌های توسعه به تغییر فرم‌ها و فرایندهای توسعه شهری و یا بالعکس به زوال شهری برخی مناطق و محدوده‌ها در درون بافت می‌انجامد.

نگاه میشل فوکو به فرایند تولید فضا در شهر، اندکی متفاوت‌تر است. او برای تحلیل فضا به مقولهٔ ارتباط دانش و قدرت، یا فناوری‌های سیاسی و گفتمان علمی متوسل می‌شود. او پیوند فناوری‌های سیاسی و استراتژی‌های دانش را به‌سان ماتریس‌های فضایی-زمانیِ قدرت در گذار از شکل مطلق‌گرایانهٔ قدرت به جامعهٔ انضباطی تحلیل می‌کند و به همین دلیل دیسپلین‌های علمی را به‌مثابه واحدهای شناخت‌شناسانه در نظر می‌گیرد . فوکو بر این تأکید دارد که فضاهای خاص چگونه به‌واسطه دیسکورس‌های انضباطی و تکنولوژی‌های قدرت، طراحی، ساخته و کنترل می‌شوند. بر این اساس، دانش و فضا در راستای شکل‌گیری چشم‌اندازهایی فیزیکی در هم می‌آمیزند و معماری نیز در آن وسیلهٔ مهمی برای ساختاردهی به روابط است. فوکو بینش‌هایی در اختیار ما می‌گذارد که دارای مناسبت تاریخی و درعین‌حال انطباق با شرایط کنونی برای تحلیل چگونگی تولید، شکل‌گیری، کنترل و پاسبانی فضا به‌واسطهٔ دیسکورس‌های انضباطی است؛ دیسکورس‌هایی که در آن‌ها بازنمایی‌های فضا، عملکرد قدرت در فضا و فعالیت‌هایی را که در آن رخ می‌دهند بازمی‌تابانند (ژلنیتس، ۱۳۹۶: ۶۳). از نظر فوکو فضاهای ناهمگون، برساختهٔ هر جامعه‌ای هستند و درنتیجه شکل‌های گوناگون و متنوعی به خود می‌گیرند و در طول تاریخ تغییر و تحول می‌یابند. لذا تفاوت‌های میان مکان‌ها و فضاها در انعکاس مدرنیته و عدم یکسانی و هم‌شکلی جوامع مختلف در تجربه مدرن بودگی، محصول «فضامند کردن تاریخ» و برساختگی فضاهای ناهمگون در هر جامعه است. فوکو بر پروژهٔ همراه‌کردن تحلیل فضایی و مکانی با تاریخ و زمان اصرار

داشت و معتقد بود که فضا در هر شکلی از زندگی اجتماعی امری اساسی است (توانگر، ۱۳۹۷: ۵۹).

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردي و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. در بخش توصیف، از آمار و اطلاعات اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی برای توصیف وضع موجود ابنیه تاریخی ثبتی شهر مشهد استفاده‌شده و در بخش تحلیل فضایی و استخراج تغییرات کاربری اراضی نیز، از داده‌های سنجش از دور بهره‌گیری شده است. استخراج تغییرات بافت به کمک مقایسه عکس‌های هوایی سال‌های ۱۳۳۵ش و ۱۳۴۲ش سازمان نقشه‌برداری کشور با تصاویر ماهواره Quick Bird موجود در سرور گوگل ارث (تاریخ ۹۸/۵/۲۰) با رزولوشن ۰/۵ متر از محدوده مرکزی شهر مشهد انجام شد. روش کار مبتنی بر شفاف‌سازی، روی‌هم‌گذاری (overlay) و تفسیر بصری تصاویر سنجش از دور می‌باشد. متغیرهای در نظر گرفته در این رابطه عبارت‌اند از: موقعیت، شکل، اندازه، تن، رنگ و سایه که شناخت عوارض را ممکن می‌سازد. عکس‌های هوایی و تصاویر ماهواره‌ای ابتدا در نرم‌افزار Arc Map ژئورفرنس شده، سپس با توجه به تفاوت ویژگی‌های مورفولوژیک و سایر متغیرهای ذکرشده، معابر، پهنه‌های تاریخی دارای تغییرات اندک، بلندمرتبه‌سازی شده و اراضی بدون کاربری از یکدیگر تفکیک شده است. به‌منظور ارزیابي نقشه تغییرات کالبدی تولیدشده، ۵۱ نقطه به‌عنوان نقاط کنترل جهت ارزیابي طبقه‌بندی انتخاب گردید. نتایج نشان داد که صحت کلي نقشه تولیدشده ۹۰ درصد و ضریب کاپاي آن ۰,۸۵ می‌باشد که صحت نسبتاً بالای نقشه تولیدشده را نشان می‌دهد. مراحل کلی پژوهش عبارت‌اند از: ۱. شناسایی ابنیه تاریخی ثبتی بر اساس لیست میراث فرهنگی. ۲. تعیین محدوده تاریخی توسعه تا ۱۳۳۵ش به‌عنوان محدوده موردمطالعه. ۳. شناسایی تغییرات بافت در محدوده موردمطالعه به‌وسیله تولید نقشه تغییرات (مقایسه تصاویر بافت قبل و بعد از انجام طرح تفصیلی مصوب مدیریت شهری). ٤. پیمایش میدانی محدوده موردمطالعه برای کنترل تغییرات در بافت و ابنیه ثبتی و اصلاح نقشه تغییرات. ۵. تهیه جدول تغییرات به تفکیک مناطق.

یافته‌های پژوهش

محدوده موردمطالعه این پژوهش بخش تاریخی مرکز شهر مشهد است. این شهر در شمال شرقي ایران، عرض ۳۶ درجه و ۱۶ دقیقه شمالي و طول ۵۹ درجه و ۳۸ دقیقه شرقي و در فاصله ۱۰۰۰ کیلومتري تهران (پایتخت کشور) در حدفاصل رشته‌کوه‌های کپه‌داغ در شمال و بینالود در جنوب قرار دارد. مشهد بزرگ‌ترین مرکز شهري در منطقه شرق ایران و ازلحاظ جمعیت دومین شهر پس از شهر تهران است. مشهد با جمعیت ۳۰۰۵۷۲۵ نفری (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)، دارای موقعیت دشتی و امکان گسترش در اطراف می‌باشد. بررسی توزیع فضایی ابنیه تاریخی شهر مشهد نشان می‌دهد که تقریباً تمامی بناهای ثبت‌شده تاریخی شهر مشهد در محدوده توسعه شهر تا ۱۳۳۵ش قرارگرفته است. به همین منظور مسئله تغییر در بافت شهری در این محدوده بررسی شده است (ن.ک. شکل شماره ۲). این پهنه شامل تمامی منطقه ثامن شهرداری مشهد و بخش‌هایی از مناطق یک، دو، سه، هفت و هشت می‌باشد. هر یک از این مناطق خود شامل چند محله تاریخی بزرگ و کوچک است که محدوده عرفی آن‌ها طی سال‌ها تغییر نموده است.

جدول ۱: تقسیمات اداری و محلات محدوده توسعه شهر مشهد تا ۱۳۳۵ش (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

منطقه	محلات تاریخی
منطقه ثامن	نوغان، چارباغ، تپل محله، پایین خیابان، بالا خیابان، بخشی از محله عیدگاه
منطقه ۸	سرشور، سراب، ارگ
منطقه ۷	عیدگاه، چاه نو
منطقه ۳	توسعه اطراف خیابان خواجه ربیع
منطقه ۲	توسعه‌های اطراف محله دروازه قوچان
منطقه ۱	سناباد، روستای احمدآباد، روستای آبکوه

ملاحظه عکس‌های هوایی شهر مشهد در ۱۳۵٤ش نشان می‌دهد اقدامات مبتنی بر مصوبات طرح جامع شهری در این زمان نمایان شده است. هرچند در این تصویر بافت سنتی شهر مشهد هنوز پایدار است، اما مداخلات صورت گرفته در اطراف حرم مطهر امام رضا(ع)، مبتنی بر اجرای اولین طرح توسعه حریم حرم رضوی (۱۳۵٤ش) موجب پاکسازی بخشی از بافت تاریخی شهر، به‌صورت حلقه‌ای در اطراف حرم مطهر گردیده است. این مداخلات به‌عنوان آغازگر فرایند دگرگونی اساسی در بافت تاریخی و سایر اقدامات صورت پذیرفته در سال‌های بعد بوده است.




تصویر ۱: عکس هوایی از حرم مطهر و بافت مرکزی شهر مشهد، سال‌های ۱۳۳۵ش و ۱۳۵۴ش (سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۹۸)

اهم طرح‌ها و فعالیت‌های صورت گرفته در هسته تاریخی شهر مشهد در قبل و بعد از انقلاب اسلامی عبارت‌اند از:

۱. سال‌های ۱۳۱۰ش تا ۱۳۲۰ش: احداث خیابان‌های عمود بر هم طبرسی، تهران و خسروی.

۲. سال ۱۳۵٤ش: تصویب طرح موسوم به «فلکه حضرت» که با تخریب مراکز تجاری و مسکونی اطراف حرم مطهر در یک شعاع هماهنگ، بخشی از ابنیه باارزش تاریخی را از بین برد.

۳. سال ۱۳٦۰ش: تصویب طرح توسعه حریم حرم مطهر حضرت رضا(ع) با هدف توسعه حرم مطهر از ۱۲۰ هزار مترمربع به حدود ٦۹۰ هزار مترمربع تا ۱۳۸۰ش که متولی این طرح آستان قدس رضوی بوده است.

٤. سال ۱۳۸۷ش: تصویب و اجرای طرح نوسازی و بازسازی بافت پیرامون حرم مطهر که به طرح طاش معروف است. حدود اجرایی این طرح منطقه ثامن شهرداری مشهد می‌باشد.

۵. سال ۱۳۹٦ش: لغو طرح نوسازی و بهسازی بافت پیرامون حرم (مصوب ۱۳۸۷ش) و توقف اجرای آن.

٦. سال ۱۳۹٦ش: تصویب و ابلاغ «برنامه راهبردی بهسازی و هدایت موزون توسعه در بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع)» به دستگاه‌های شهری جهت اجراء.

مکان‌های باارزش معنایی و هویتی شهر مشهد

مکان‌های باارزش معنایی و هویتی در این پژوهش عبارت‌اند از کلیه ابنیه ثبت‌شده و مورد تأیید میراث فرهنگی کشور. به‌منظور بررسی وضعیت مکان‌های باارزش معنایی و هویتی در شهر مشهد از آمار ارائه‌شده توسط اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی و شهرداری مشهد استفاده شده است. بنا بر مستندات موجود، تاکنون ۱۲۰ اثر تاریخی-میراثی دارای ارزش در شهر مشهد به ثبت رسیده است.

جدول ۲: تعداد آثار باارزش معنایی هویتی ثبتی در شهرستان و شهر مشهد

آثار باارزش معنایی هویتی ثبتی	تعداد
آثار ثبتی در شهرستان مشهد	۲۳۲
آثار ثبتی در شهر مشهد	۱۲۰
آثار ثبتی موجود در شهر مشهد	۸۸
آثار ثبتی پاکسازی شده در شهر مشهد	۲۰
آثار ثبتی متروکه و مخروبه در شهر مشهد	۱٦

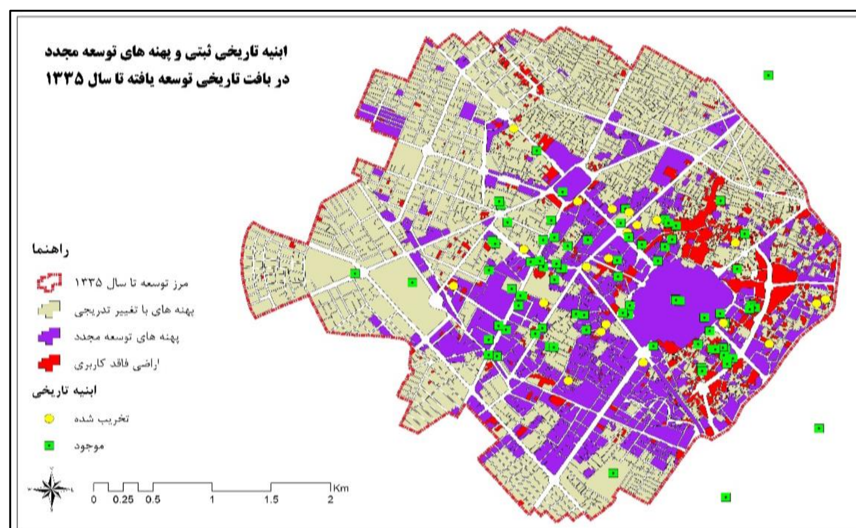
(معاونت گردشگری و زیارت شهرداری مشهد و اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی، ۱۳۹۸)

بنا بر بررسی‌های صورت گرفته، بخش اصلی اطلاعات موجود در زمینه آثار تاریخی ثبتی، مربوط به پیمایش و ثبت خانه‌های تاریخی در اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خراسان رضوی در ۱۳۸٤ش می‌باشد و از آن

پس پیمایش میدانی فراگیری به‌منظور شناسایی و بررسی تغییرات احتمالی در این خانه‌ها صورت نپذیرفته است. این در حالی است که خانه‌های تاریخی در معرض فرسایش و تخریب ناشی از عوامل جوی، اجرای طرح‌های توسعه شهری، سود بادآورده ناشی از تغییر کاربری اراضی و غیره قرار داشته و پیوسته در حال افول و تخریب‌اند. در این میان، بخشی از ابنیه ثبت‌شده شهر مشهد در آدرس موردنظر پیدا نشده‌اند. با توجه به روند ساخت و ساز در بخش مرکزی شهر و مصاحبه‌های صورت‌گرفته، به نظر می‌رسد که این بناها نیز باید در گروه آثار تاریخی پاکسازی شده قرار داده شود، زیرا اثری از آن‌ها دیده نشده است. تعداد خانه‌های پیدا نشده ۷ عدد بوده و ۵,۷ درصد از کل ابنیه تاریخی را تشکیل می‌دهند. در مقابل ۸۸ عدد (۷۲,۱ درصد) از آثار تاریخی در حال حاضر موجود می‌باشند. سرانجام بر اساس پیمایش میدانی ۱۳۹۸ش، از کل ۱۲۰ اثر باارزش واقع در شهر مشهد که طی سه دهه اخیر در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌اند، حدود ۲۲,۲ درصد در اثنای اجرای طرح‌های توسعه شهری تخریب و پاکسازی شده‌اند. همچنین به دلیل تغییر کارکرد بافت شهری در محدوده موردمطالعه و تخلیه جمعیت ساکن شهری به دلیل تحولات کالبدی و تغییر کاربری‌های مسکونی به تجاری و اقامتی طی سال‌های مذکور، تعداد زیادی از این مکان‌ها کارکرد پیشین خود را از دست داده و دارای وضعیت متروکه یا مخروبه می‌باشند. توزیع زمانی عملیات تخریب ابنیه ثبت‌شده نشان می‌دهد، تقریباً تمامی آثاری که پس از ۱۳۸۰ش تخریب‌شده، در سال‌های قبل از آن موجود بوده‌اند.

جدول ۳: وضعیت موجود بناهای ثبتی شهر مشهد (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

تاریخ ثبت اثر	بناهای ثبتی موجود	بناهای ثبتی تخریب‌شده	وضعیت نامعلوم بنا
قبل از انقلاب اسلامی	۱۵	۱	۲
سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۹	۳	-	-
سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸	٦۷	۲٦	۵
سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸	۳	-	-



تصویر ۲: نقشه ابنیه تاریخی ثبتی و پهنه‌های توسعه مجدد در بافت تاریخی توسعه‌یافته تا ۱۳۳۵ش (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

تغییر کاربری در محدوده توسعه شهر مشهد تا ۱۳۳۵ش

تطبیق پراکنش ابنیه تاریخی ثبتی شهر مشهد با دوره‌های تاریخی توسعه شهر نشان می‌دهد، تقریباً تمامی ابنیه تاریخی ثبتی در محدوده توسعه شهر تا ۱۳۳۵ش قرار دارند. این موضوع حکایت از فعال بودن نیروها و عاملین چندی در پهنه تاریخی شهر مشهد و همبستگی بین تخریب ابنیه تاریخی با این نیروها دارد. بنا بر بررسی‌های نگارندگان، علل اصلی تغییرات یادشده در این محدوده عبارت‌اند از: ۱.

مرکزیت و جاذبه حرم مطهر امام رضا(ع) و توسعه‌های پیرامون آن. ۲. اجرای طرح‌های توسعه شهری. ۳. اقتصاد زمین و املاک.

با توجه به فرایند بازسازی و توسعه مجدد روی‌داده در پهنه تاریخی شهر مشهد، امروزه سه گونه بافت در این محدوده مشاهده می‌گردد:

۱. ابنیه تاریخی: دانه‌های منفصل بافت تاریخی که تنها قسمتی از یک بلوک شهری را اشغال نموده‌اند و شامل ابنیه باارزش و یا فرسوده قدیمی می‌شوند. متأسفانه در بافت کنونی بخش مرکزی شهر مشهد، بافت سنتی و باارزش به شکل پیوسته باقی نمانده است و به‌سختی می‌توان اصطلاح بافت را برای بخش‌های بجای مانده بکار برد.

۲. پهنه با تغییر تدریجی: بافت شکل‌گرفته و یا بهسازی‌شده تحت تأثیر طرح‌های جامع که اکثراً به‌صورت بلوک‌های شطرنجی-شبه شطرنجی با ساختمان‌های معمولاً ٤-۳ طبقه مشاهده می‌شوند. ممکن است در این بلوک‌ها، ابنیه یا بخش‌های گسسته شده‌ای از محلات تاریخی شهر مشهد نیز وجود داشته باشد.

۳. پهنه‌های توسعه مجدد: بافت حاصل از بازسازی و توسعه مجدد بر اساس طرح تفصیلی ۳٦۰ هکتاری منطقه ثامن طی دهه گذشته در هسته تاریخی شهر مشهد که تحت نظر شرکت مسکن‌سازان شرق از شرکت‌های وابسته به سازمان عمران و بازآفرینی شهری متعلق به وزارت مسکن و شهرسازی شکل گرفته است از این‌گونه می‌باشد. این بافت شامل مجتمع‌های بلندمرتبه‌سازی شده تجاری و اداری و نیز آپارتمان‌های مسکونی می‌شود. ویژگی‌های پهنه‌هایی که به زیر توسعه مجدد رفته‌اند عبارت است از:

۱. این‌گونه از تحولات کالبدی شامل ساخت و سازهایی است که بیشتر در شعاع ۱٫۵ کیلومتری حرم مطهر متراکم‌اند. بیشتر پهنه‌های توسعه مجدد در مناطق ثامن، هشت و هفت بوده است. این موضوع در مورد اراضی بایر نیز که برای ساخت و ساز پاک‌سازی شده‌اند صدق می‌کند. به‌طوری‌که مناطق ثامن و هشت بیشترین اراضی بایر را در محدوده موردمطالعه داشته‌اند.

۲. نزدیکی به معابر اصلی ویژگی دیگر پهنه‌های توسعه مجدد موردبررسی می‌باشد. ساخت و سازهای یادشده در امتداد و مجاورت محورهای تاریخی بالاخیابان و پایین خیابان و نیز معابر جدیدتری چون خیابان امام رضا(ع) اتفاق افتاده است. در مرحله بعد توسعه مجدد در حاشیه بلوار امت و خیابان امام خمینی(ره) که در انتهای شعاع ۱٫۵ کیلومتری از حرم مطهر می‌باشند اتفاق افتاده است.

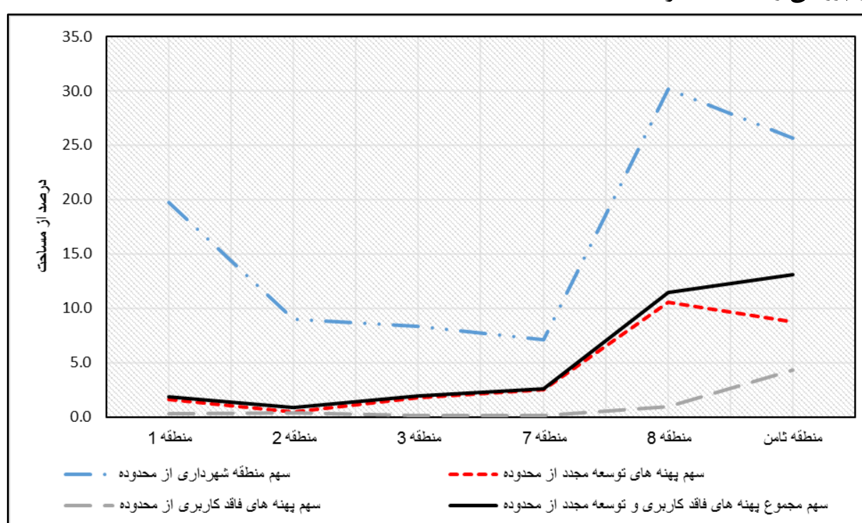
جدول ۴: میزان بازسازی و تغییر در محدوده تحت توسعه تا ۱۳۳۵ش (هکتار) (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

محدوده موردمطالعه	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۷	منطقه ۸	منطقه ثامن	محدوده توسعه تا سال ۱۳۳۵
پهنه‌های توسعه مجدد	۲۱,۸	٦,۵	۲۳,۹	۳۴,۲	۱۴۵,۱	۱۲۰,۹	۳۵۲,۱
درصد از مساحت محدوده	۱,٦	۰,۵	۱,۷	۲,۵	۱۰,۵	۸,۸	۲۵,۵
درصد از مساحت منطقه	۸,۰	۵,۳	۲۰,۷	۳۵,۰	۳۴,۹	۳۴,۲	۲۵,۵
پهنه با تغییر تدریجی	۱۷۵,۱	۷۷,۴	٦۴,۴	۳۹,۴	۱٦۲,۷	۹۴,۸	٦۱۳,۹
درصد از مساحت محدوده	۱۲,۷	۵,٦	۴,۷	۲,۹	۱۱,۸	٦,۹	۴۴,۵
درصد از مساحت منطقه	٦۴,۴	٦۲,۵	۵۵,۹	۴۰,۴	۳۹,۱	۲٦,۸	۴۴,۵
پهنه‌های فاقد کاربری	۴,۱	۵	۲,۳	۲	۱۲,٦	۵۹,۷	۸۵,۸
درصد از مساحت محدوده	۰,۳	۰,۴	۰,۲	۰,۱	۰,۹	۴,۳	٦,۲
درصد از مساحت منطقه	۱,۵	۴,۰	۲,۰	۲,۰	۳,۰	۱٦,۹	٦,۲
معابر	۷۰,۷	۳۴,۹	۲۴,٦	۲۲	۹۵,۸	۷۸,۴	۳۲٦,۵
درصد از مساحت محدوده	۵,۱	۲,۵	۱,۸	۱,٦	٦,۹	۵,۷	۲۳,۷

درصد از مساحت منطقه	۲۶,۰	۲۸,۲	۲۱,۴	۲۲,۵	۲۳,۰	۲۲,۲	۲۳,۷
مساحت محدوده	۲۷۱,۷	۱۲۳,۸	۱۱۵,۲	۹۷,۶	۴۱۶,۲	۳۵۳,۸	۱۳۷۸,۵
درصد از مساحت محدوده	۱۹,۷	۹,۰	۸,۴	۷,۱	۳۰,۲	۲۵,۷	۱۰۰,۰
درصد از مساحت منطقه	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰
پهنه‌های فاقد کاربری و توسعه مجدد	۲۵,۹	۱۱,۵	۲۶,۲	۳۶,۲	۱۵۷,۷	۱۸۰,۶	۴۳۷,۹
درصد از مساحت محدوده	۱,۹	۰,۸	۱,۹	۲,۶	۱۱,۴	۱۳,۱	۳۱,۸
درصد از مساحت منطقه	۹,۵	۹,۳	۲۲,۷	۳۷,۱	۳۷,۹	۵۱,۰	۳۱,۸

یکی از تغییرات اساسی پیش‌آمده در بافت تاریخی شهر مشهد، احداث معابر جدید و افزایش سرانه معابر از طریق تخریب بافت تاریخی بوده است. بررسی تغییرات نشان می‌دهد، هرچند برخی معابر محدوده موردمطالعه مانند کوچه نوغان از گذشته‌های دور وجود داشته‌اند، اما آن‌ها نیز از تغییرات اعمال‌شده به پیشنهاد طرح‌های توسعه در امان نبوده‌اند. به همین دلیل می‌توان گفت تمامی معابر بافت یا تعریض شده‌اند و یا در توسعه‌های پیشنهادی و مبتنی بر طرح جامع شکل‌گرفته‌اند. ازجمله معابر جدید که به پیشنهاد طرح طاش ایجاد شده است، بلوار شارستان در منطقه ثامن می‌باشد. قسمت تکمیل‌شده این معبر ۶۷۷۹۵ مترمربع مساحت دارد و بیش از ۲ درصد از وسعت تحت اشغال معابر محدوده موردبررسی را اشغال نموده است.

بررسی تصاویر ماهواره‌ای و محاسبات انجام‌شده نشان‌دهنده سهم بالاتر منطقه ثامن در تحولات کالبدی بخش تاریخی شهر می‌باشد. این منطقه ۳۴,۳ درصد از پهنه‌های توسعه مجدد را دربرمی‌گیرد، درحالی‌که فقط ۲۵,۷ درصد از مساحت کل محدوده توسعه تا سال ۱۳۳۵ را شامل می‌شود. همچنین درمجموع ۱۳ درصد از اراضی که تحت توسعه مجدد قرارگرفته یا بایر (۱۸۰,۶ هکتار) در منطقه ثامن قرار دارد. این مقدار برای منطقه هشت ۱۱,۴ درصد (۱۵۷,۷ هکتار) است. پس از آن‌ها منطقه هفت با ۳۶,۲ هکتار، ۲,۶ درصد اراضی فاقد کاربری یا توسعه مجدد محدوده سال ۱۳۳۵ را شامل می‌شود.



تصویر ۳: تغییرات در محدوده توسعه تا ۱۳۳۵ش (هکتار)

هرچند میزان کل اراضی به زیر توسعه رفته و یا آماده توسعه در دو منطقه ثامن و هشت شهرداری مشهد دارای تفاوت اندکی می‌باشد، اما ساز و کار تغییرات این دو پهنه متفاوت است. منطقه ثامن به‌صورت متمرکز و بر اساس طرح نوسازی و بازسازی بافت پیرامون حرم مطهر که به طرح طاش معروف است، توسط شرکت مسکن‌سازان ثامن به‌عنوان بخشی از یک نهاد عمومی عمران‌یافته، اما در منطقه هشت سرمایه‌گذاری‌های پراکنده بخش خصوصی بر زمینه تاریخی

بارگذاری شده است. از طرفی در پهنه منطقه ثامن تحولات بزرگ‌مقیاس بوده، توسعه همراه با پاکسازی بافت تاریخی و ایجاد بلوک‌ها و شبکه معابر جدید می‌باشد. این موضوع با بررسی میزان اراضی فاقد کاربری این دو پهنه روشن‌تر می‌شود. به‌طوری‌که ۷۰ درصد کل اراضی بایر در منطقه ثامن (۱۷ درصد اراضی منطقه ثامن) و ١٤،٧ درصد دیگر در منطقه هشت قرار دارد که میزان فعالیت توسعه‌گران بخش عمومی و خصوصی را در این پهنه نشان می‌دهد.

یکی از ابعاد تغییرات گفته‌شده، از بین رفتن ساختار محلات مسکونی بخش تاریخی شهر مشهد و تبدیل آن به فضاهای تجاری و اقامتی باارزش مبادلاتی بالا بوده است که کوچ ساکنین را به همراه داشته است. این موضوع سبب شده است تا منطقه ثامن شهرداری مشهد که فضای پیرامونی حرم مطهر امام رضا(ع) و عمده بخش تاریخی شهر مشهد را در برمی‌گیرد از ١٣٦٥ش به این‌سو پیوسته با جمعیت زدایی روبرو باشد.

جدول ۵: تغییرات جمعیت منطقه ثامن شهرداری مشهد (مأخذ: مرکز آمار ایران)

سال	کل	تفاوت با سرشماری قبل	تعداد خانوار	بعد خانوار	نرخ رشد جمعیت
١٣٦٥	٦٢۴۵٠	٠	١۵٠٩١	۴،١	-
١٣٧۵	۴٣٧٣٢	-١٨٧١٨	١١٠۴٦	۴	-٣،۵
١٣٨٠	٣٢٢٩٩	-١١۴٣٣	٨٩٨١	٣،٦	-٣
١٣٩٠	٢١۴۵٦	-١٠٨۴٣	٦۴٩٨	٣،٣	-٧،٨
١٣٩۵	١٣٨٦١	-٧۵٩۵	۴۵٢۵	٣،١	-٨،۴

نتیجه‌گیری

شهر به‌عنوان یک مکان جغرافیایی از دیدگاه ساختارگرایی، نقش خود را وامدار ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم است. این وابستگی به ساختارها در دو بعد داخلی و خارجی شکل می‌گیرد. درون فضای شهری، فضای جغرافیایی شهر متأثر از شبکه‌ها و مناسبات اقتصادی، اجتماعی بین عناصر سازنده ساختار مدیریت شهری است و در فضای بیرونی متأثر از فضای منطقه‌ای، ملی و جهانی. توسعه مبادلات و شبکه ارتباطات مالی-اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی یک شهر، بی‌شک در تغییر و تحولات ساخت و بافت شهری در طی زمان ارتباط مستقیم و همبسته دارد و بر اساس میزان تأثیرگذاری شبکه‌های قدرت حاکم بر شهر، هویت آن مکان را رقم می‌زنند. شهرها دارای عناصر هویتی متفاوتی همچون عناصر و نمادهای فرهنگی و معماری منحصربه‌فرد، کیفیت، منابع قدرت فراگیر اجتماعی و استثنایی و همچنین فرصت‌های بسیاری برای توسعه اقتصادی هستند. جریان و جهت‌گیری توسعه شهرهای امروز و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری تابعی از جریان‌های ایدئولوژیک حاکم بر فضاهای شهری است که بر اساس آن طرح‌های توسعه در مقیاس‌های خرد و کلان تهیه می‌شود و به تغییر شکل شهر می‌انجامد. ایفای نقش و کارکرد ویژه به شهر نیز به پارادایم مسلط در هر برهه زمانی بازمی‌گردد. در شهرهایی مانند مشهد که از سبقه تاریخی و مذهبی برخوردار است و دارای جایگاه ویژۀ سیاسی و اقتصادی در نظام شهری ایران است. بررسی اسناد توسعه‌ای شهر نشان می‌دهد، «زیارت و گردشگری» به‌عنوان نقش مسلط در برنامه‌ریزی‌ها هدف‌گذاری شده و برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت شهری بر آن اساس تدوین‌شده است. پیمایش میدانی و تغییرات کاربری اراضی مشاهده‌شده در عکس‌های هوایی ١٣۴٢ش و تصاویر ماهواره‌ای ١٣٩٨ش نشان می‌دهد، این فرایند به نحوی بر بافت کالبدی شهر مشهد تأثیرگذار بوده که محلات پویا و فعال اجتماعی مرکز شهر را تبدیل به محدوده‌های گردشگرپذیر نموده، کارکرد مسکونی و اجتماعی شهری آن را تغییر داده است. آنچه به‌ویژه طی سه دهه اخیر در این محدوده‌ها رخ‌داده، سایه نگاه کاسب‌کارانه به فضای شهری است و هویت تاریخی شهر از دید اندک ساکنان باقی‌مانده، بهره‌برداران زمین و دستگاه‌های خدمات‌رسان شهری چندان حائز اهمیت نبوده است. فرایند اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت مرکزی شهر مشهد به‌نوعی مقوم این طرز تفکر به شهر بوده است که نتیجه آن تخریب و نابودی محلات و مکان‌های دارای ارزش معنایی و هویتی شهر مشهد

می‌باشد. اگرچه اخیراً به‌منظور کنترل و مدیریت این موضوع اقداماتی صورت گرفته است، طرح نوسازی و بهسازی بافت پیرامون حرم (مصوب ۱۳۸۷ش) لغو و اجرای آن متوقف و پس از آن در مرداد ۱۳۹۶ش ضوابط حریم منظری حرم امام رضا(ع) به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ گردیده است، اما فضاهای ازدست‌رفته شهری مشهد، به آن بازنخواهد گشت.

همان‌طور که گفته شد، از نظر لوفور بازنمایی‌های فضا شامل تمامی نشانه‌ها و معانی و شناخت‌هایی است که امکان شناخت روزمره از پرکتیس‌های فضایی را فراهم می‌کنند. بازنمایی فضا قلمرو تولیدکنندگانی همچون معماران، برنامه‌ریزان، شهرسازان و مهندسان اجتماعی است که فضا را در ذهن و بر اساس ایدئولوژی معینی پرورش می‌دهند. همراه با نظر لوفور، به نظر می‌رسد چگونگی بازنمایی فضا در پهنه تاریخی شهر مشهد تأثیر غیرقابل‌انکاری در تخریب فضای تاریخی و جایگزینی فضای جدید داشته است؛ برساخت فضای تاریخی شهر مشهد و پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع) به‌عنوان پهنه گردشگری و تلاش در بازساخت آن به شیوه‌ای که به حداکثر ارزش مبادله دست یابد. ابزار این بازنمایی نیز تصویر ایجاد شده از این پهنه در بیانیه‌ها و طرح‌های مصوب مدیریت شهری بوده است. البته نمی‌توان نظر فوکو مبنی بر همراهی دانش و قدرت را منکر شد؛ در تمامی تحولات صورت پذیرفته در بخش تاریخی شهر مشهد، بخش خصوصی و عمومی از قدرت خود برای تأثیرگذاری در طرح‌های شهری (بازنمایی شهری) و در راستای حداکثر استخراج ارزش‌افزوده استفاده نموده‌اند.

بنا بر نقشه تغییرات اراضی تهیه‌شده از عکس‌های هوایی ۱۳٤۲ش و تصاویر ماهواره‌ای ۱۳۹۸ش، مجموع پهنه‌های توسعه مجدد محدوده موردمطالعه ۳۵۲ هکتار بوده است. با اضافه کردن پهنه‌های فاقد کاربری تغییرات محدوده به ٤۳۸ هکتار می‌رسد. محاسبات نشان‌دهنده سهم بالاتر منطقه ثامن در تحولات کالبدی بخش تاریخی است. این منطقه ۳٤,۳ درصد از پهنه‌های توسعه مجدد را در برمی‌گیرد. همچنین درمجموع ۱۳ درصد از اراضی که تحت توسعه مجدد قرارگرفته یا بایر (۱۸۰,٦ هکتار) در منطقه ثامن قرار دارد. این مقدار برای منطقه هشت ۱۱,٤ درصد (۱۵۷,۷ هکتار) است.

بررسی دو دسته از اراضی و املاک در فهم عاملین و فرایند توسعه بخش مرکزی و تاریخی شهر مشهد مهم می‌باشد. اراضی که به زیر توسعه‌های یکپارچه بزرگ‌مقیاس رفته‌اند و تحت عنوان رویکرد توسعه مجدد در بازسازی و نوسازی شهری شناخته می‌شوند و دیگر اراضی فاقد کاربری یا بایر که در محدوده موردبررسی -به استناد تصاویر ماهواره‌ای- اراضی هستند که از طریق تخریب بافت تاریخی بازیابی شده‌اند. هرچند دو نیروی به‌ظاهر متضاد بازار و بخش عمومی عاملین اصلی اثرگذار در پهنه موردمطالعه بوده‌اند، اما هر دو به‌صورت همگرا موجب متلاشی شدن بافت تاریخی شده‌اند. در این میان، برخلاف انتظار، نتیجه اقدامات بخش عمومی بیشتر از بخش خصوصی ضد حفاظت و صیانت از بافت تاریخی بوده است. بررسی نشان می‌دهد مجموع اراضی تخریب‌شده بافت تاریخی (توسعه مجدد و بایر) جهت نوسازی و بازسازی در منطقه ثامن که بخش عمومی کنترل آن را برعهده‌گرفته است، ۱۸۰,٦ هکتار و در منطقه هشت که بخش خصوصی عامل توسعه بوده است، ۲۲,۹ هکتار کمتر و به میزان ۱۵۷,۷ هکتار بوده است.

درمجموع می‌توان چنین اظهارنظر کرد که سیاست بازسازی و توسعه مجدد هویت‌زدای حاکم بر شهر مشهد، قادر به حفظ بافت تاریخی، حتی به‌صورت تک بنا نیز نبوده و موجب تخلیه بافت تاریخی از جمعیت بومی و از بین رفتن مفهوم محله در این مناطق شده است. این در حالی است که به جهت برخورداری از کارکرد گردشگری این بافت شهری، حفاظت از بافت تاریخی می‌توانست ظرفیت جدیدی برای پذیرایی و خدمت‌رسانی به زائرین باشد. بنابراین، با توجه به اهمیت مکان‌های باارزش و هویت‌بخش شهرها، تأکید بر حفاظت از لکه‌های باقی‌مانده بافت تاریخی، تلاش در نگاه‌داشت جمعیت بومی، بازآفرینی و احیاء محلات تاریخی، ایجاد تعادل بین حفاظت و توسعه در طرح‌ها و اقدامات مدیریت شهری و کاربری‌بخشی ابنیه از طریق فعالیت‌های فرهنگی ازجمله گردشگری، راهبردها و الگوی مناسب‌تری برای آینده چنین پهنه‌هایی می‌باشند.

فهرست منابع

۱. اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری خراسان رضوی. (۱۳۹۸). ***اطلاعات آثار ثبتی شهرستان و شهر مشهد***.

۲. اشمید، کالوین. (۱۳۹۳). «نظریهٔ تولید فضای هانری لوفور؛ به‌سوی دیالکتیک سه وجهی». ***درآمدی بر تولید فضای هانری لوفور*** .ترجمه آیدین ترکمه. تهران: تیسا.

۳. افروغ، عماد. (۱۳۹٤) . ***فضا و جامعه؛ فضای شهری و نابرابری اجتماعی***. تهران: علم.

۴. توانگر، معصومه. (۱۳۹۷). «تبیین نقش شهر با رویکرد تبارشناسی». ***رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری***. اهواز: دانشگاه شهید چمران.

۵. دفتر معماری و طراحی شهری وزارت مسکن و شهرسازی. (۱۳۸۵). ***برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)***. تهران: پیام سیما.

٦. رهنما، محمدرحیم. (۱۳۸۸). ***شناسایی نقاط باارزش شهری***. مشهد: جهاد دانشگاهی.

۷. ژلنیتس، آندژی. (۱۳۹٦). ***فضا و نظریه اجتماعی***. ترجمه آیدین ترکمه. تهران: علمی و فرهنگی.

۸. سازمان نقشه‌برداری کشور. (۱۳۹۸). ***عکس هوایی از حرم مطهر و بافت مرکزی شهر مشهد، سال ۱۳۳۵ش و ۱۳۵٤ش***.

۹. سلطانی‌فرد، هادی. (۱۳۹۰). «نقش دگرگونی سازمان فضایی شهر سبزوار بر توسعهٔ شهر معاصر». ***رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری***. تهران: دانشگاه تهران.

۱۰. شهرداری منطقه ثامن مشهد. (۱۳۹٦). ***اطلاعات پروژه‌های در حال اجرای بافت پیرامون حرم مطهر رضوی(ع)***.

۱۱. شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. (۱۳۹٦). ***برنامه راهبردی بهسازی و هدایت موزون توسعه در بافت پیرامون حرم مطهر امام رضا(ع)***. تهران: وزارت راه و شهرسازی.

۱۲. عامری، محمود؛ و همکاران. (۱۳۹۰). «ارائه الگویی جهت جلب مشارکت مردم در طرح‌های توسعه پایدار حمل و نقل زمینی». ***علوم و تکنولوژی محیط‌زیست***. (شماره ۱۳)، ۲۲-۱۰.

۱۳. عربی، عباس؛ و حسن رضا انتظار یزدي. (1387). «بررسی شیوه‌هاي مداخله در بافت‌هاي فرسوده شهري و ارائه مدل بهینه مداخله». ***اولین همایش بهسازي و نوسازي بافت‌های فرسوده شهري***. مشهد: شهرداری مشهد.

۱۴. عزیزی فرد، عبدالرضا؛ و همکاران. (۱۳۹۹). «تحلیلی بر نقش سیاست‌های دولت و مجاورت بازار بر تغییرات کارکردی و زوال محله‌های شهری (مطالعه موردی: محله سیروس شهر تهران)». ***جغرافیای اجتماعی شهری***. (شماره ۷)، ۲۵۹-۲۳۹.

۱۵. علی‌آبادی، زینب؛ و حمیدرضا بابایی. (۱۳۹٦). «تحلیل تأثیر طرح‌های توسعه شهری بر ساختار فضایی خرد و کلان‌شهرها (مطالعه موردی: طرح محور زینبیهٔ شهر زنجان». ***پژوهش‌های جغرافیایی و برنامه‌ریزی شهری***. (شماره ۵)،٦۷۰-٦٤۵.

۱٦. کلمن، ناتانیل. (۱۳۹٦). ***لوفور برای معماران***. ترجمه سپیده برزگر. تهران: کتاب فکر نو.

۱۷. گلکار، کوروش. (۱۳۹۳). ***آفرینش مکان پایدار: تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری***. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۱۸. لوفور، هنری. (۱۳۹۳). ***ماتریالیسم دیالکتیکی***. ترجمه آیدین ترکمه. تهران: تیسا.

۱۹. لوفور، هنری. (۱۳۹۵). ***بقای سرمایه‌داری***. ترجمه آیدین ترکمه. تهران: تیسا.

۲۰. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). ***نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن***.

۲۱. معاونت گردشگری و زیارت شهرداری مشهد. (۱۳۹۷). ***گزارش آثار ثبتی شهر مشهد***.

۲۲. مقدم‌آریایی، علی؛ و همکاران. (۱۳۸۷). «امکان‌سنجی تحقق رویکرد تنظیم مجدد زمین در بافت‌هاي فرسوده شهري». ***اولین همایش بهسازي و نوسازي بافت‌های فرسوده شهري***. مشهد: شهرداری مشهد.

۲۳. نژاد ابراهیمی، احد؛ و همکاران. (۱۳۹۲). «ارزش و ارتباط آن با رویکرد مداخله در آثار فرهنگي-تاریخي، مرمت و معماري ایران». ***مرمت و معماري ایران***. (شماره ٦)، ۹۸-۷۹.

۲۴. نصر، طاهره. (۱۳۹۳). «واکاوی معنای هویت در سنجش پارادایم: تحلیل جایگاه حیات‌بخشی در بافت شهر». ***هویت شهر***. (شماره ۱۸)، ۲٦-۱۳.

۲۵. هاروی، دیوید. (۱۳۹۵). ***عدالت اجتماعی و شهر***. ترجمه فرخ حسامیان و محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

26. Altrock, Uwe. (2006). ***spatial planning and urban development in the new EU member states: from adjustment to reinvention***. USA: Ashgate publishing.

27. Foucauit, Michel. (1980). ***Power/ Knowledge***. Edited by colin Gordon, Brighton.

28. Gospodini, Aspa. (2010). "European Cities in Competition and the New Uses of Urban Design". ***Journal of Urban Design***. (vol 7). 59-73.

29. Montgomery, John. (2007). ***The New Wealth of Cities, city dynamics and the fifth way***. Aldershot: Ashgate.

30. Onder, Deniz Erinsel. (2010). "Reading urban spaces by the space-syntax method: A proposal for the South Halic Region". ***Cities***. (vol 27), 260-271.

31. Pendlebury, John. (2005). "The Modern Historic City: Evolving Ideas in Mid-20th-century Britain". ***Journal of Urban Design***. (vol 10), 253-273.

32. Pendlebury, John. (2009). ***Conservation in the age of consensus***. USA and Canada: Rutledge.